

اللَّهُ
مَنْ جَازَ الْكُرْبَى
مَنْ جَازَ الْكُرْبَى



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

کارنامه سیاسی و فرهنگی دکتر فخرالدین شادمان

استاد راهنما:

دکتر عباس سرافرازی

استاد مشاور:

دکتر شهروز شریعتی

نگارش:

نرجس کریمی

زمستان ۱۳۹۰

سپاسگزاری

با سپاس از خدای رحمان که اراده کرد تا من زیبا بیاموزم و زیبا زندگی کنم.

پایان نامه حاضر در ظل توجهات خاص استادان محترم جناب آقای دکتر عباس سرافرازی استاد راهنما و جناب آقای دکتر شهروز شریعتی استاد مشاور شکل گرفته، بر آستان رفیعشان سرفرو آورده و کمال تشکر را از درگاهشان دارم، در پایان بجاست از تمامی اساتید محترم گروه تاریخ در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و پرسنل کتابخانه دانشگاه اسلامی واحد شاهرود، معاونت محترم پژوهشی، آموزشی، گروه محترم تاریخ مقطع فوق لیسانس از خانواده و همسر گرامی ام و سایر عزیزانی که مرا در این امر یاری رساندند سپاسگزارم. امیدوارم که اهل تحقیق کاستی‌ها و کمبودهای این اثر که تنها متوجه حقیر می‌باشد به دیده اغماض بنگرند.

تقديم به:

همسر عزيزم كه همواره يارى و پشتيبان من در امر تحصيلم بوده است

فهرست مطالب

۹	چکیده
۱۰	مقدمه
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۴	۱-۱ بیان مساله
۱۴	۲-۱ اهداف تحقیق
۱۴	۳-۱ طرح سوالات
۱۵	۴-۱ ارائه فرضیه ها
۱۶	۵-۱ پیشینه‌ی ادبیات تحقیق
۱۶	۶-۱ روش جمع آوری اطلاعات
۱۶	۷-۱ موانع تحقیق
۱۷	۸-۱ سازماندهی پژوهش
۱۸	فصل دوم: فضای روشنفکری در تاریخ معاصر ایران
۱۹	۲-۱ روشنفکری در ایران
۲۰	۲-۲ تولد روشنفکر ایرانی
۲۲	۳-۲ ساختار روشنفکری در ایران
۲۵	۴-۲ مخاطبان و مخالفان روشنفکری
۳۱	۵-۲ گونه شناسی روشنفکری دینی در ایران
۳۳	۶-۲ نقش روشنفکری دینی در تحولات اجتماعی
۳۹	فصل سوم: زندگینامه، آثار، فعالیت های دکتر شادمان
۴۰	۱-۳ فعالیت های فرهنگی و سیاسی دکتر شادمان
۴۰	۲-۳ فعالیت های فرهنگی
۴۲	۳-۳ فعالیت های سیاسی
۴۳	۴-۳ آثار شادمان
۴۳	۵-۳ تحلیل محتوایی آثار شادمان
۴۷	۶-۳ نگرش شادمان به تمدن ایران و تمدن غرب
۵۸	۷-۳ نگرش شادمان به مذهب
۶۱	۸-۳ نگرش شادمان به ایدئولوژی

۶۵	فصل چهارم: مهمترین اقدامات شادمان در برخی سمت هایی که عهده دار آنها بوده است
۶۶	۱-۴ سمت های سیاسی
۶۶	۱-۱-۴ شادمان در پست وزارت کشاورزی
۶۹	۱-۱-۱-۴ جایگاه کشاورزی در سیاست گذاری دولت
۷۰	۲-۱-۱-۴ برنامه عمرانی اول (۱۳۲۷-۱۳۳۳)
۷۰	۲-۱-۴ شادمان در وزارت اقتصاد ملی
۷۰	۱-۲-۱-۴ اقتصاد ایران در دوره پهلوی و جایگاه دکتر شادمان
۷۱	۲-۲-۱-۴ در فاصله دو جنگ جهانی
۷۲	۳-۲-۱-۴ بازرگانی خارجی
۷۴	۳-۱-۴ شادمان در وزارت دادگستری
۷۴	۲-۴ شادمان در آستان قدس رضوی
۷۴	۱-۲-۴ دکتر شادمان و تولیت آستان قدس رضوی
۷۴	۱-۱-۲-۴ خصوصیات ضریح جدید
۷۶	۲-۱-۲-۴ رواق دارالسلام
۷۶	۳-۱-۲-۴ رواق دارالسرور
۷۷	۴-۱-۲-۴ کتیبه های ایوان شمالی صحن نو
۷۹	۳-۴ ملاحظه برخی از مهمترین مکاتبات شادمان و مقامات کشوری و لشکری در زمان تولیت آستان قدس
۹۵	فصل پنجم: تأثیر اندیشه های دکتر شادمان بر اندیشمندان دیگر
۹۶	۱-۵ مدخل
۹۷	۲-۵ سید احمد فرید
۱۰۳	۳-۵ جلال آل احمد
۱۱۰	نتیجه بحث
۱۱۵	منابع و مأخذ:
۱۱۷	چکیده انگلیسی

چکیده

در این پژوهش به شخصیت و اندیشه سید فخرالدین شادمان در جریان روشنفکری معاصر میپردازیم و میزان تاثیر تائرات نامبرده را بر روشنفکران هم عصر و نسل بعد از او بررسی میکنیم. مفاهیمی چون غربزدگی، تمدن ایرانی اسلامی، تهاجم فرهنگی، برای نخستین بار از زبان و قلم شادمان تراویدن گرفت که اوج تاثیر پذیری آن در نسل پس از خود و دیگران را در اندیشه های سید احمد فردید و جلال آل احمد میتوان بررسی کرد.

هدف در این پژوهش بررسی اندیشه و عملکرد سید فخرالدین شادمان در حوزه روشنفکری معاصر است.

سید فخرالدین شادمان در ۱۲۸۶ شمسی در تهران از پدری به نام سید ابوتراب تهرانی و مادری تبریزی الاصل به دنیا آمد او در آغاز نوجوانی معمم بود و پس از چندی لباس روحانیت را کنار گذاشت او دکتری حقوق خود را از دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد و در ۱۳۲۶ پس از ۱۵ سال به ایران بازگشت و مهمترین اثرش یعنی تسخیر تمدن حکومت فرنگی را منتشر کرد فخرالدین شادمان دو دوره در کابینه های مختلف قبل از کودتای ۲۸ مرداد و بعد از آن وزیر بود او به چهار زبان فارسی، انگلیسی، عربی، فرانسه مسلط بود شادمان در ۱۳۴۶ در تهران از دنیا رفت. مهمترین آثارش عبارتند از: تسخیر تمدن فرنگی (۱۳۲۶)، کتاب بی نام (۱۳۳۵)، حکایتی و اشارتی (۱۳۴۲) تاریکی و روشنایی (۱۳۴۴) و در راه هند (۱۳۴۶) می باشد. از او جدای از این کتابها چند ترجمه و مقاله در مطبوعات زمان خویش منتشر شده است.

کلید واژه: فخر الدین شادمان، روشنفکری، غربزدگی، احمد فردید

مقدمه

با اندك ملاحظه ای در میان واژگان شکل گرفته پیرامون شادمان می توان نتیجه گرفت که اندیشه ورزی او بیش از آن که در حوزه سیاست به دنبال تعریف قدرت، سیاست، اقتدار و ... باشد بدنبال ارتقاء بینش بشری است فهم فلسفی او از زندگی در مفهوم دانایی یا نادانی نهفته است در نگاه او انسان هر چه دانتر انسانتر و هر چه نادانتر دورتر از انسانیت است او در پی مسیری است تا بتواند به انسان دنیای متجدد كمك کند تا فهم منطقی و متعارفی از خود و هستی پیرامون خود بدست گیرد بدین خاطر برای او تنها حاکمیت زمانی مفهوم پیدا می کند که حاکمان در برابر دانایی و فهم مردم ایستاده باشند و یا تسهیل کننده دانایی مردم باشند و تنها همین نقطه افتراق بین حکمران خوب و بد است هوشنگ هناوید و شیخ وهابی از آن جهت که در کدام مسیر سیاسی زندگی می کنند دارای اهمیت نیستند بلکه تنها از آن رو قابل بحث اند که به راستی نمی دانند در کدام جایگاه از زمان نشسته اند و از آن جهت قابل بحث اند که مخاطب در گفتگوهای آنها باید به دنبال آن باشد که فهم خود را از هستی و دور اطراف خود تصحیح کند و البته به روفعی و هناوید چونان آینه بنگرد و جایگاه خود را در این میانه بیابد تا اگر مانند روفعی و هناوید است با نقد خود به جایگاه انسان عاقل، بالغ و فهیمی که مورد نظر شادمان است دست یابد.

شادمان معتقد است ماملت بزرگی هستیم که چندین شکست را در طول تاریخ تجربه کرده ایم و نمرده ایم و ایرانی هرگز نباید فراموش کند که هر شکست دلیل آن است که شکست پیشین نتوانسته است ما را نابود کند و ایرانی بیدی نیست که به هر بادی بلرزد اما بعد از این شکست دیگر است که ایرانی زنده نخواهد ماند تا از دشمنی دیگر هزیمت کند شادمان مملو از حس وطن پرستی و خواستاری ایران است در نگاه او ایران یعنی همه چیز و ایرانیت گوهر هستی و گوهر آفرینش است اما در کنار این حس عظیم عشق به ایران او نگران عقب ماندگی، توسعه نیافتگی و کج فهمی ایرانیان در طول تاریخ نیز هست و بدین خاطر است که ایرانیان را از شکستی دیگر از دنیای مغرب زمین می هرساند چرا که او می داند شتاب زندگی در دوره ما با شتاب زندگی در دوره ای که چنگیز خان مغول ایرانیان را شکست

داد بسیار متفاوت است بدین خاطر هشدار می دهد که تمدن فرنگی را بازیچه نگیرید اگر تمدن فرنگی ما را بگیرد تاریخ یکی از بهترین ملل بزرگ عالم سر خواهد آمد و دفتری که ۲۵۰۰ سال باز بوده است به یکباره بسته خواهد شد او همچنین هشدار می دهد ما هرگز چنین حریفی دانا و توانا و بی رحم و خود پسند نداشته ایم شادمان معتقد است روزی که تمدن فرنگی ما را بگیرد آخرین روز حیات ملت ایران است و تنها راه گریز و یگانه چاره آن است که ما آن را بگیریم پیش از آن که محصور و اسیرش گردیم خود مسخرش کنیم نکته جالب در اندیشه شادمان آن است که علی الرغم این تفکر که بسیاری معتقد به مقابله با اندیشه غربی بودند او معتقد است ما را نه تنها از تمدن فرنگی گریزی نیست بلکه باید به سوی آن رفت آن را آموخت و سپس آن را مسخر ساخت در واقع مغز و اندیشه شادمان آن است که باید تمدن فرنگی را بومی کرد از آن آموخت و پس از آن، آن را به خدمت جامعه ایرانی درآورد لذا ایده آل شادمان تمدن فرنگی بومی شده است تمدنی که اگر چه از دیگران است اما جان مایه و مغز آن را ایرانیان تصرف کرده اند و آنگونه که می خواهند از آن بهره ببرند او سپس این نکته را بیشتر توضیح می دهد که ایرانیان باید خود صادر کننده اندیشه و پیشرفت باشند اگر سراسر ایران در آبادی مثل بهترین مملکت روی زمین شود ولیکن کار در دست ما انجام نگرفته باشد ما پیشرفت نکرده ایم پس باید ایرانیان از منظر شادمان دانش را فراگیرند و سپس خود را از بندگی برهانند ترقی حقیقی آن است که استاد ایرانی به فارسی درست در مدرسه طب درس بدهد و در کتابخانه مدرسه غیر از کتب مهم فرنگی ۴ و ۵ هزار کتاب طبی به زبان فارسی باشد و معمار ایرانی تئاتر و سینمای خوب و کامل بسازد اینها نشان می دهد که شادمان به دنبال نوسازی اساسی جامعه ایرانی به لحاظ علمی و فکری بوده است و به عمق آن نیز توجه داشته است و کیست که نداند منظور شادمان از کتب فارسی در علوم مختلف ترجمه و تفتیح کتب اندیش ورزان فرنگی نبوده و نیست او علاقه مند به آن بود که ایرانیان خود مستر اندیشه ورزی و تولید علم باشند او در عبارتی دیگر می گوید به لباس فرنگی بیش از کتب فرنگی توجه نموده ایم و جامعه استادی را برای تدریس ۱۰۰ بار مهمتر از شرایط حقیقی استادی پنداشته ایم او در کتاب تسخیر تمدن فرنگی هنگامی که شیخ وهاب روفعی و هوشنگ هناوید را مجال می دهد به نقد جامعه ایرانی می پردازد هناوید تازه به دوران رسیده است کم مایه و روفعی آخوندیست عوام فریب و متحجر او به خوبی این دو قهرمان را معرفی می کند هوشنگ هناوید نادان و شیخ وهاب روفعی دین فروش هر دو را خصم و بدخواه باید شمارد یکی بی دانشیست بی شرم که خود را عالم و متخصص جلوه می دهد و دیگری غافلپست بی آبرو که مردم را می فریبد یکی قول علما و حکمای فرنگ را بد تعبیر می کند و دیگری گفته پیغمبران را غلط تفسیر میکند یکی مال صغیر و کبیر می خورد و به هر زنی شوهردار و بی شوهر چشم دارد و دیگری زن بیوه است

و عمده مشکلات ایران را وجود چنین انسانهایی به عنوان نماد و مرکز ثقل جامعه ایرانی می داند در کنار این مشکلات شادمان یادگرفتن فارسی را نخستین شرط لازم پیشرفت می داند او به نقل از فروغی عیب زبان فارسی را آمیختگی با عربی عنوان می کند و معتقد است آمیختگی فارسی و عربی از حد معقول تجاوز کرده است به این معنی که شماره لفظهای عربی از عدد لفظهای ما بیشتر شده است

شادمان تاکید می کند که باید از دو دلی خارج شویم و فارسی یاد بگیریم تا به تسخیر تمدن فرنگی قادر شویم او اذعان می کند که تسخیر تمدن فرنگی را می توان با بازگشت به خویشتن احیاء هویت ایرانی و توجه به رسم الخط فارسی به اجراء در آورد او به خاطر همین نکته است که احساس می کند که موج جدید شعر نو که به دنبال تعویض فرم شعر فارسی و جدا کردن وزن و قافیه از شعر است بر خلاف ایرانیت و فرهنگ ایرانیست پس شادمان در جایگاه منتقدین به شعر نیمایی به شعر بی وزن می نشیند نه از سر لجاجت و نوآوری و نوگرایی .

فصل اول: كليات

۱-۱ بیان مسأله

در این پژوهش به شخصیت و اندیشه سید فخرالدین شادمان در جریان روشنفکری معاصر می پردازیم و میزان تاثیر و تاثرات نامبرده را بر روشنفکران هم عصر و نسل بعد از او بررسی میکنیم. مفاهیمی چون غربزدگی، تمدن ایرانی اسلامی، تهاجم فرهنگی، برای نخستین بار از زبان و قلم شادمان تراویدن گرفت که اوج تاثیر پذیری آن در نسل پس از خود و دیگران را در اندیشه های سید احمد فردید و جلال آل احمد میتوان بررسی کرد.

۲-۱ اهداف تحقیق

هدف در این پژوهش بررسی اندیشه و عملکرد سید فخرالدین شادمان در حوزه روشنفکری معاصر است

۳-۱ طرح سوالات

در این بین سوالات متعددی ذهن نگارنده را به خود مشغول کرد که در پی پاسخ گویی بدانها رفته رفته این پژوهش شکل گرفت برای نمونه:

۱. تعاریف و مفاهیم روشنفکر و جریان روشنفکری معاصر را در چه فضایی میتوان ترسیم کرد؟

۲. فعالیت های فرهنگی و سیاسی دکتر شادمان را در چه مواردی میتوان بر شمرد؟

۳. نگرش شادمان به تمدن ایران و تمدن غرب چگونه بود؟

۴. مهمترین روشنفکران متأثر از اندیشه های شادمان شامل چه اشخاصی میگردد؟

در پژوهش حاضر به سوالات مذکور در حد بضاعت نگارنده پاسخ داده خواهد شد.

۱-۴ ارائه فرضیه ها

۱. قشر روشنفکر ایرانی گرچه با ظهور طبقات متوسط در دوره حکومت پهلوی ظاهر شد، اما تولدش به صورت منفرد در خارج از ایران صورت گرفت. اولین روشنفکران کسانی بودند که به مهاجرت (به عنوان نماینده سیاسی یا دانشجو) در کشورهای غربی و پرورش در فضای آن دیار پرداختند. بخشی از ماهیت و ساختار روشنفکری در مواجهه با مخالفان و رقبای آن روشن می گردد. روشنفکران به دلیل آن که خواهان تغییر در نظم سنتی هستند، با ساختارهای سنتی در همه عرصه ها به مبارزه برمی خیزند. لذا در همه جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته، روشنفکران «بدعت گذاران» تلقی می شوند که باید تکفیر و سرکوب گردند.
۲. مهمترین تالیفات او عبارتند از تسخیر تمدن فرهنگی، تاریکی و روشنائی، در راه هند، کتاب بی نام. بمناسبت هزارمین سال ولادت فردوسی طوسی در سال ۱۳۱۳ خطابه ای در مجلس جشن منعقد در سفارت ایران در لندن و پاریس ایراد کرد. سخنرانی دیگری تحت عنوان «از سه قوم، تربیت فرانسوی و انگلیسی و آلمانی کدام یک برای ایران مفیدتر است؟» در سال ۱۳۱۲ زینت بخش تالار کولژ دو فرانس پاریس گردید. خطابه مهم دیگر او به زبان انگلیسی در انجمن شعر در لندن در سال ۱۳۱۵ است در باب شعر فارسی. چند ترجمه نیز دارد که مهم ترین آنها عبارتند از تاریخ قرون جدید، داستان عشق و محبت. سوای این کتاب ها، چند نوشته انگلیسی و فرانسه و مقاله های متفرقه ای در نشریات ایران و خارج از ایران از خود به جا گذاشت.
۳. شادمان در کتاب تسخیر تمدن فرنگی عقاید دو گروه از هم میهنانش را در برابر نفوذ سیاسی و ایدئولوژیک غرب مورد انتقاد قرار می دهد. شادمان دو شخصیت خیالی را به نام های شیخ وهاب روفعی و هوشنگ هناوید وصف میکند که به ترتیب نماینده روحانیون سنت گرا و روشنفکران شبه مدرنیست درس خوانده غرب و شیفته غرب هستند و می کوشد هر دو گروه را محکوم کند. شادمان عقیده داشت که علت برتری فرنگ بینش علمی آنان است، نه لزوما قدرت باورهای اخلاقی آن از این رو مدعی بود که گرچه ایران نیاز به این دارد که دانشجویانی برای به دست آوردن دانش فنی به فرنگ بفرستد و کتاب های علمی آن را ترجمه کند اما اینان مجبور نیستند معیار های اخلاقی یا شیوه های تفکر فرنگی را بپذیرند او می کوشید در مقالاتش به مدد مفاهیم عقلی و در رمان هایش به کمک تصاویر خلاق ابعاد بحرانی بالقوه بنیادسوز که عقیده داشت از حدود صد و پنجاه سال

پیش دامن ایران را گرفته است را به تصویر بکشد و چند و چون‌گذار اجتناب ناپذیر تاریخی جامعه ایران را نشان دهد.

۴. سید احمد فردید و جلال آل احمد مهمترین روشنفکرانی هستند که تحت تاثیر اندیشه های شادمان به بست و گسترش اندیشه غربزدگی و تسخیر تمدن غرب پرداختند.

۱-۵ پیشینه‌ی ادبیات تحقیق

در خصوص موضوع مورد نظر هیچ اثر مستقلی که در بر گیرند عملکرد شادمان در عرصه روشنفکری باشد نگاشته نشده اما به صورت کاملا پراکنده و جسته و گریخته میتوان به برخی مقالات و کتب اشاره کرد که حاوی اطلاعاتی در خصوص نامبرده است برای مثال: داوری، رضا (۱۳۶۳)، شمه ای از تاریخ غرب زدگی ما، وضع کنونی تفکر در ایران، تهران، سروش و رضا قلی، علی (۱۳۷۱)، «الگوهای رفتاری روشنفکران ایرانی»، ماهنامه کیان شماره ۷. و فراستخواه، مقصود (۱۳۷۸)، «روشنفکری دینی در جستجوی برنامه اجتماع»، روزنامه نشاط، دوشنبه، ۳۰ فروردین. همینطور شادمان، سید فخر الدین (۱۳۲۶). تسخیر تمدن فرنگی، تهران، شادمان، سید فخر الدین (۱۳۴۶). تراژدی فرنگ، تهران شادمان، سید فخر الدین (۱۳۴۶). تاریکی و روشنایی، چاپ سوم، تهران و کلیه آثاری که شادمان به رشته تحریر در آورده است.

۱-۶ روش جمع آوری اطلاعات

این پژوهش به روش کتابخانه ای، توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته و طی آن بررسی اسناد، مدارک، منابع و ماخذ موجود مورد توجه واقع شده، همچنین مقایسه میان آنان واقع گردیده است نیز از اطلاعات موجود در سایت های مختلف جهت بررسی منابع و تحلیل مباحث متفاوت استفاده لازم صورت پذیرفته است.

۱-۷ موانع تحقیق

مهمترین موانع این پژوهش را میتوان در این موارد بر شمرد:

۱. فقر شدید منابع و اطلاعات در خصوص فخرالدین شادمان مهمترین مشکل این پژوهش بود تا بدانجا که هیچ اثر مستقلی در خصوص شخصیت مورد نظر نگاشته نشده.

۲. بررسی و تحلیل دیدگاه های شادمان در خصوص تمدن غرب و تهاجم فرهنگی آنچنان توسط نسل بعدی روشنفکران چون فرید و آل احمد از سویی و موافقین اخذ تمدن غرب از سوی دیگر به عاریت گرفته شد که حتی تا به امروز دامنه این موضوع گسترده است لذا تفکیک و جدا سازی بنیانهای بحث و ریشه های اصلی آن کار مشقت باری بود.

۳. از آنجا که این پژوهش نخستین کار جدی در خصوص عملکرد و اندیشه شادمان است لذا نگارنده به ناچار باید به تحلیل فضای روشنفکری معاصر خصوصا هم عصر با شادمان میپرداخت که در این میان پاره ای اطلاعات و اصطلاحات جنبه تخصصی پیدا کرده از درک و توان و تخصص نگارنده خارج بود، برای نمونه موضع گیری شادمان در خصوص اندیشه های نیما یوشیج و طرح ساختار شعر نو در مقابل شعر کلاسیک کهن پارسی و مواردی از این دست.

۱-۸ سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر در چهار فصل تنظیم گردیده است.

در فصل اول به کلیات در خصوص تحقیق، از قبیل بیان مسأله و اهداف و پرسشها و فرضیه ها و ... می باشد.

در فصل دوم فضای روشنفکری در تاریخ معاصر ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم به زندگینامه، آثار و فعالیت های دکتر شادمان پرداخته شده است.

در فصل چهارم به تأثیر اندیشه های دکتر شادمان بر اندیشمندان دیگر پرداخته شده است.

در پایان نیز به نتیجه گیری مباحث پرداخته شده و فهرستی از منابع و مأخذ مورد استفاده در پژوهش آورده شده است.

فصل دوم:

فضای روشنفکری در تاریخ معاصر

ایران

۲-۱- روشنفکری در ایران

برای بررسی اولین جوانه ها و به طور کلی نطفه بندی^۱ روشنفکری در ایران باید به عصر صفویه و پیش از آن بازگشت. عصری که اولین مواجهه با تمدن غربی و مظاهر آن توسط دولتمردان یا بازرگانان صورت پذیرفت^۲. مع الوصف نقطه عطف تصادم جامعۀ ایرانی با تمدن غربی در جنگ ایران و روس (۱۸۱۸م) رقم خورد. نبرد ایران و روس زمینه ساز بیداری ایرانیان شد و از آن پس واردات تکنولوژی، اعزام نیروی انسانی جهت آموزش صورت پذیرفت. این نقطه تاریخی برای تولد روشنفکر ایرانی، بسیار حائز اهمیت است.

عصر قاجاریه سرآغاز فروپاشی نظام زمینداری و پیدایی نوعی سرمایه داری تجاری در ایران است. همچنین دوران ارتباط روز افزون زمینداران تاجر پیشه و شهزادگان خاندانهای شبه فئودالی ایران با اروپائیان محسوب می شود. در این فضا قشر نوینی به نام بورژوا برخاسته است که نخستین روشنفکران یا ناقلان فرهنگ نوین از میان آنان متولد شدند^۳.

زایش روشنفکران از عصر قاجاریه آغاز شد. این «جماعت گفتاری» که عمدتاً از طبقات ممتاز و سنتی برخاستند در عصر پهلوی با شروع طرح نوسازی به قشری تبدیل شدند که اگر چه حجم قابل توجهی را تشکیل نمی دادند اما از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار شدند. از دهه (چهل) شمسی به بعد، این «جماعت گفتاری» که پرورش دهنده فرهنگ انتقادی بودند و نیز به مفهوم Intelengetsi روسی همخوان بودند، جای خود را به مفهوم Intellectual داده اند. در این مقطع اصطلاح «روشنفکر»، مفهوم وسیعی از تحصیل کردگان و شاغلان در نظام بوروکراسی و کارمندان در همه سطوح، نظامیان

^۱ Germination

^۲ حائری، عبدالهادی، (۱۳۶۷)، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ص ۱۳۲

^۳ حبیبی، محسن (۱۳۷۲)، «نخستین پژواک مدرنیته در ایران»، فصلنامه گفتگو، شماره ۳، ص ۵۱

و قشر عظیمی از مشاغل فکری را در بر می گیرد و دیگر مختص صاحبان اندیشه انتقادی نمی گردد.^۱ با تکون قشر روشنفکری، میدان عمل تاریخی آنان وسیع تر گردید و روشنفکران به عنوان نیروهای برآمده از طبقات متوسط جایگاههایی را اشغال کردند که از ضرورت‌های ساختاری برآمده است و از نقشهایی برخوردار شدند که زندگی اجتماعی مدرن برای آنان تدارک دیده است.

۲-۲ تولد روشنفکر ایرانی

روشنفکر غربی محصول مدرنیته است، یعنی این که در شرایط و ساختارهای اجتماعی غرب شکل گرفته و به عنوان یک قشر یا یک طبقه ظهور یافته است. تاریخ روشنفکری غربی از دل فرایند مدرن سازی در اواخر قرون وسطی و انقلابات صنعتی و علمی آغاز می شود. در حالی که تاریخ روشنفکر جهان سومی و روشنفکر ایرانی از زمان برخورد و مواجهه این کشورها با تمدن غربی شروع می شود؛ آنها نه از دل تجربه های مدرن بلکه از طریق شنیدن تجربه های مدرن از دور دست با مدرنیته آشنا شدند. بنابراین روشنفکر ایرانی یک محصول تماماً غربی نیست، بلکه محصول داد و ستد سنت با مدرنیته غربی است. او نه غربی است و نه سنتی، بلکه آمیزه ای از آن دو است. این تفاوت بزرگ در تولید، موجب دگرگونی در کارکردها و وظایف روشنفکر ایرانی می شود.

برای بررسی تولد روشنفکران، ابتدا باید به زادگاه آنان در محیط اجتماعی و اقتصادی که در آن پرورش یافتند توجه کرد. در عصر قاجار، نظام اجتماعی و نظام سیاسی ایران مبتنی بر ساختار ایلی - عشیره ای بود. شکلها و ارزشهای اجتماعی، بازتابی از ارزشهای نظام ایلاتی در ایران بود. در قرن نوزدهم، ایران عمدتاً به عنوان جامعه ای روستایی شناخته می شد. ساختار طبقاتی روستایی به صورت شبه فئودالی اداره می شد، ارتباطات بسیار ابتدایی بود و در نواحی وسیعی نظم و قانون وجود نداشت. نظام خویشاوندی که بر اساس خاندان و قبیله بود پایه سازمان اجتماعی را به وجود می آورد. زندگی شهری هنوز در مرحله آغازین قرار داشت. شهرها از قرن ۱۹ به این سو رو به رشد بودند و طبقات مسلط اجتماعی بر آن، همان اعضای خانواده سنتی و دیوانسالاران سطح بالا، زمینداران بزرگ، خانهای ایلات، علمای با نفوذ و تاجران موفق بودند. ساختار نظام اجتماعی ایران در عصر قاجار

^۱ بروجردی، مهرداد، (۱۳۷۲)، روشنفکران ایرانی و غرب، مترجم جمشید شیرازی، تهران، فروزان روز، ص ۳۸

مبنتی بر سه پاره ایلاتی، روستایی و شهری بود. این تنوع از انسجام و تشکیل یک جامعه همبسته می‌کاست.

بورژوازی شهری در زمان قاجاریه، بورژوازی تجاری بود. تماس با غرب هم از طریق تجارت آغاز شد. رونق تجارت بود که موجب بهبود نظام ترابری شد. توجه به آموزش مدرن برای نوسازی ایران، اولین تکانه‌ها را به نظم سنتی در جامعه ایران داد. با رواج ارزشهای نو، یکپارچگی «نظم اجتماعی کهن» با تهدید روبرو شد و ساختارهای اجتماعی، دینی و ساختار سیاسی جامعه مورد توجه تحصیل کردگان جدید قرار گرفت. شکاف به وجود آمده میان تحصیل کردگان و اقشار سنتی و جامعه سنتی همراه شد. در عین حال نسل تحصیل کرده با بقیه بیگانه شد.

قشر روشنفکر ایرانی گرچه با ظهور طبقات متوسط در دوره حکومت پهلوی ظاهر شد، اما تولدش به صورت منفرد در خارج از ایران صورت گرفت. اولین روشنفکران کسانی بودند که به مهاجرت (به عنوان نماینده سیاسی یا دانشجو) در کشورهای غربی و پرورش در فضای آن دیار پرداختند. این روشنفکران محصولی بومی نبودند و از دل پدیده‌های ساختاری و شرایط جدید اجتماعی در کشور به وجود نیامدند، بلکه روشنفکران «پیش قراولی» بودند که بنا بود مهندسی پروژه مدرن سازی ایران را که در آن زمان با «غربی شدن» همراه بود به عهده گیرند.

روشنفکران قاجار به دلیل آن که زادگاهی غیر بومی داشتند «فیلسوف – شاهانی»¹ بودند که بایستی آنان را به همان صورت که بودند می‌پذیرفتند و تکریمشان می‌کردند. آنان نکوهش گرانی غیر قابل نکوهش بودند. اما همان طور که گفته شد روشنفکر ایرانی با همه مشخصات «ایرانی بودن» از دل طبقات متوسط جدید در عصر پهلوی شکل گرفت. روشنفکر در شهرهای جدید زاده می‌شود و با تقسیم کار گسترش می‌یابد، دانشگاهها مادر روشنفکران هستند، مطبوعات و کتاب ابزار فعالیت و عمل تاریخی آنها محسوب می‌شود.

تولد روشنفکر ایرانی به مثابه یک قشر، تنها هنگامی ممکن شد که نظام حکومت متمرکز در عصر رضاخان، نظام دیوانسالارانه‌ای را پدید آورد. افزایش جمعیت، توسعه شهرنشینی، گسترش رسانه‌های همگانی و عمومی شدن آموزش، پیدایش طبقات جدید، ایجاد جایگاههای شغلی جدید در دل

¹ Philosopher - Kings

جامعه‌نوسازی شده، افزایش تعداد مدارس و دانشگاهها، توانست جامعه سنتی را دچار دگرگونی جدی نماید.

قشر روشنفکر، برآمده از طبقات جدید و متوسط است. سابق بر این جامعه ایران با روحانیون، علمای دین، ادیب و شاعر، فیلسوف، فقیه و یا سیاستمدار حرفه ای مواجه بود، اینها هیچ کدام قشر روشنفکری را فی نفسه تشکیل نمی دادند. روشنفکران وقتی به وجود آمدند که جامعه واجد طبقات و اقشار مدرن گردید و از لایه های یکدست سنتی خارج شد. طبقات نو ظهوری چون متخصصان آزاد، کارمندان، پرسنل نظامی، شاغلان یقه سفید در بخش خصوصی، هنرمندان و نویسندگان و به طور کلی قشرهای تحصیل کرده، زمینه حضور قشر روشنفکران را فراهم کردند.

۲-۳ ساختار روشنفکری در ایران

این نکته که روشنفکری محصول مدرنیته است، به این معنا نیست که روشنفکری لزوماً محصولی غربی است. روشنفکر از نوعی الگوی عام برخوردار است که در غرب ریشه دارد. اما در قالب الگوهای خاص فرهنگی و اجتماعی متنوعی متجلی می شود. ماهیت روشنفکری در ایران را نه مدرنیته، بلکه سنت و مدرنیته رقم زده اند. به عبارت دیگر مدرنیته در کشورهای جهان سوم به هیچ وجه به مثابه «تنها بازی در شهر»^۱ عمل نکرده است، بلکه سنت در بسیاری از کشورها در شکل دهی محصولات مدرن دخیل بوده است.

اگر چه روشنفکران در فضایی نسبتاً جهانشمول زندگی می کنند که به مرزهای ملی و هویت قومی و نژادی محدود نیست. اما از این نکته هم نباید غفلت کرد که اروپا و غرب دیگر معیار چالش ناپذیری برای سایر جهان نیست، امروزه صحبت درباره روشنفکران، در برگیرنده صحبت درباره تفاوتها و ویژگیهای محلی، مذهبی و حتی قاره ای می گردد و این روند موجب شده است که روشنفکران بیش از پیش محلی گردند.^۲

بنابراین روشنفکران علیرغم دارا بودن خصایص جهانشمول از کاربرد محلی نیز برخوردار شدند. هر روشنفکری در فضای جغرافیایی یا فرهنگی خاص زیست می کند و با زبانی معین سخن می

^۱ Availability

^۲ سعید، ادوارد (۱۳۷۷)، نقش روشنفکر، مترجم، حمید عضدانلو، تهران، انتشارات آموزش، ص ۹۸